

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

## پایان نامه دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی

### مقدمه و تصحیح نسخه جامع الحکایات یا چهل و شش حکایت

استادان راهنما:

دکتر جمشید مظاهری سیجانی

دکتر محمد رضا نصر اصفهانی

استاد مشاور:

دکتر سید مهدی نوریان

پژوهشگر:

آرمان ماناسریان

تیر ماه ۱۳۸۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات  
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه ی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی آقای آرمان ماناسریان

تحت عنوان

مقدمه و تصحیح نسخه جامع الحکایات یا چهل و شش حکایت

در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۲۸ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه **کالی** به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه	دکتر جمشید مظاهری سیجانی	با مرتبه ی علمی استادیار	امضا
۲- استاد راهنمای پایان نامه	دکتر محمدرضا نصر اصفهانی	با مرتبه ی علمی استادیار	امضا
۳- استاد مشاور پایان نامه	دکتر سیدمهدی نوریان	با مرتبه ی علمی استادیار	امضا
۴- استاد داور داخل گروه	دکتر اسحاق طغیانی	با مرتبه ی علمی دانشیار	امضا
۵- استاد داور داخل گروه	دکتر محسن محمدی فشارکی	با مرتبه علمی استادیار	امضا
۶- استاد خارج از گروه	دکتر جلیل مشیدی	با مرتبه ی علمی دانشیار	امضا
۷- استاد خارج از گروه	دکتر حسن ذوالفقاری	با مرتبه ی علمی استادیار	امضا

امضای مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی

بعد از حمد و سپاس بگانه خالق بی‌همتا از اساتید محترم آقایان

دکتر جمشید مظاهری،

دکتر محمد رضا نصر اصفهانی

و

دکتر سید مهدی نوریان

که در تهیه و تنظیم این رساله مرا یاری کردند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

تقدیم بہ

ہمسفر مہربان و فداکارم

## چکیده

کتاب جامع الحکایات یا چهل و شش حکایت مجموعه بزرگ و نفیسی است از قصه های عامیانه مشهور و غیر مشهوری که آغاز و انجام آن افتاده است. این نسخه به شماره ۴۲۶۷ از جمله نسخ خطی منحصر به فرد فارسی می باشد که احتمالاً از نسخ خطی اوایل قرن ۱۱ هجری به شمار می آید و در بخش نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. این کتاب، مجموعه ای است از چهل و شش حکایت بازمانده از عهد صفوی که با موضوعات مختلف عشقی، حماسی و تعلیمی و در زمینه های گوناگون حیات فردی و جمعی گردآوری، بازنویسی و یا کتابت و رونویسی شده است. قصه های کتاب جامع الحکایات ژانر های گوناگون و محتوایی غنی دارند. در میان قصه های این کتاب بخش اصلی مربوط به قصه های عاشقانه و اجتماعی است. قسمت اصلی قصه های عاشقانه این کتاب همانند رمانس های قرون وسطایی است که در آن‌ها فارغ از موضوع عشق و احساسات عاشقانه، صحنه های پهلوانی قهرمان اصلی یا قهرمانان دیگر داستان هم طرح می شوند. بخش دیگری از حکایات کتاب، قصه های تعلیمی هستند. قصه های پریان و جادوان گروه دیگری از قصه های کتاب را بر می سازند. این حکایات دارای موتیف های اسطوره ای و حماسیند. در این مجموعه یک حکایت از نوع تمثیلی و یک حکایت از نوع سرگرمی نیز ذکر شده است. در این رساله جدا از بررسی محتوایی حکایات، محتوا و صورت دو حکایت منتخب از مجموعه جامع الحکایات (قصه سلیم جوهری و سرگذشت او و قصه حبیب عطار ساحر و طلسمات او) و عناصر سازنده ساختاری آنها بررسی شده اند. در این بررسی برای توضیح چگونگی ربط سازمانی دو حوزه محتوا و صورت و به عبارت دیگر، چگونگی به وجود آمدن این حکایات، به صورت ویژه به بررسی "نظام تصاویر" پرداخته ایم؛ نظامی که رابطه ای دو سویی با محتوا و صورت دارد. در اینجا به دیدگاه‌های نقد ادبی منتقدانی مانند "ویساریون بلینسکی" تکیه شده است. نشان داده ایم که نیروی جلو برنده طرح‌های این حکایات آن تضادی (نبرد خیر و شر) است که راویان در اساس حکایات خود قرار داده اند. راویان برای نشان دادن این تضاد، قهرمانانی مثبت و منفی خلق کرده اند. در کتاب جامع الحکایات قصه هایی وجود دارد که ریشه آنها در ادبیات ملل بیگانه، از جمله ادبیات ارمنی، ایرلندی و لیتوانی دیده می شود که به اجمال درباره این شباهتها سخن خواهیم گفت. درباره گردآورنده و راویان حکایات جامع الحکایات هیچ اطلاعی در دست نیست. آغاز و انجام نسخه مورد استفاده ما افتاده و در نسخه هیچ مطلبی درباره گردآورنده و تاریخی درباره کتابت آن ذکر نشده است. همانگونه که از سرتاسر کتاب بر می آید و در نخستین نگاه جلب توجه می کند، ریشه نثر و گونه نگارش قصه های این مجموعه را در اساس باید در ضمن جریان ادبیات شفاهی ایران جستجو کرد. از این لحاظ، این اثر دارای همه آن خصوصیات است که رمانس های فارسی عصر صفوی - به عنوان بزرگترین بخش جریان ادبیات شفاهی ایران آن روزگار - دربردارنده آنها بوده اند. در تحلیل نهایی باید گفت که نثر حکایات مجموعه حاضر - اگرچه در زیر ساخت، در رو ساخت و نمای کار- تلفیقی از خصوصیات ادبیات شفاهی و ادبیات مکتوب را توأم در خود دارد؛ هرچند در اینجا نیز چیرگی با فرهنگ ادبیات شفاهی است. روش تحقیق در این پژوهش، به شیوه غالب پژوهش های علوم انسانی، کتابخانه ای و با اتکا بر متون ادبی مورد نظر بوده است که تصحیح این تک نسخه به روش قیاسی انجام شده است. احیاء این نسخه به عنوان منبعی که منعکس کننده افکار اجتماعی و فرهنگی گذشتگان است، می تواند حیطة شناخت آداب و رسوم و فرهنگ کاری ارزشمند باشد.

**کلید واژه ها:** جامع الحکایات، قصه، فرهنگ عامه، موتیف، سبک شناسی.



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
أ	فهرست مطالب .....
خ	مقدمه.....
ذ	۱- سنت قصه و قصه گوئی در ایران قبل و بعد از اسلام.....
ر	۱-۱- قصه و قصه گوئی در ایران.....
ز	۱-۲- سنت قصه و قصه گوئی در نزد اعراب.....
ش	۲- تحلیل موضوعات و انواع حکایت های کتاب جامع الحکایات.....
ظ	۲-۱- تحلیل محتوای حکایت های نوع عاشقانه کتاب جامع الحکایات.....
ه	۲-۲- تحلیل موضوعات حکایت های تعلیمی کتاب جامع الحکایات.....
ه	۲-۲-۱- موضوع قضا و قدر آسمانی توکل انسان به خداوند و جنگ مقدس.....
ی	۲-۲-۲- حکایت های اجتماعی.....
ت	۲-۲-۲-۱- سرگذشت انسان.....
ث	۲-۲-۲-۲- زنان صالحه و نیکوکار.....
ج	۲-۲-۳- زنان حيله گر و مکار.....
خ	۲-۳- تحلیل حکایت های با موضوع پریان و جادو در کتاب جامع الحکایات.....
ذ	۲-۴- تحلیل تنها حکایت تمثیلی کتاب جامع الحکایات.....
ذ	۲-۵- تحلیل تنها حکایت سرگرمی در کتاب جامع الحکایات.....
ر	۳- بررسی عناصر سازنده محتوا و صورت در کتاب جامع الحکایات.....
ز	۳-۱- عناصر محتوای قصه.....
ز	۳-۱-۱- موضوع قصه ها.....
ز	۳-۱-۲- اندیشه حاکم بر قصه ها.....
س	۳-۱-۳- مضامین قصه ها.....
ش	۳-۲- عناصر صورت قصه.....
ش	۳-۲-۱- ترکیب.....
ش	۳-۲-۲- طرح.....
ظ	۳-۲-۳- نوع قصه.....
غ	۳-۲-۴- زبان، زاویه دید، لحن.....

عنوان	صفحه
۳-۳- انواع تصاویر.....	ف ف
۱-۳-۳- شخصیت در قصه.....	ف ف
۲-۳-۳- تصویر کنش.....	ق ق
۳-۳-۳- صحنه های قصه.....	ق ق
۴-۳-۳- تصویر های لغوی.....	ق ق
۴-۳- نظام تصاویر: رابط عناصر سازنده محتوا و صورت.....	ق ق
۴- ریشه های تاریخی برخی از قصه های ایرانی.....	ل ل
۱-۴- ویژگی های فولکلوریک حکایات.....	ل ل
۲-۴- تحلیل ریشه حکایت ها در ادبیات بیگانه.....	م م
۳-۴- خلاصه حکایت و اچاگان و آناهید.....	ن ن
۴-۴- ارزش حکایت ها و ریشه های آنها.....	و و
۵-۴- ریشه حکایت ها در ادبیات فارسی.....	ب ب ب
۵- سخنی در باره گرد آورنده نسخه.....	ر ر ر
۱-۵- تاریخ احتمالی گرد آوری نسخه جامع الحکایات.....	ز ز ز
۲-۵- در باره مذهب گردآورنده و راویان حکایت.....	س س س
۶- مقابله ابیات کتاب جامع الحکایات با ابیاتی که در دیوان سرایندگان آنهاست.....	ش ش ش
۷- در باره کتاب.....	ط ط ط
۱-۷- سبک شناسی نثر کتاب.....	ط ط ط
۲-۷- معرفی نسخه جامع الحکایات یا چهل و شش حکایت.....	ن ن ن
۳-۷- روش تصحیح.....	و و و
متن اصلی.....	۱

## عنوان

## صفحه

۱	..... [احوال ایشان]
۱۳	..... حکایت دوم: در قصه شهریار با دختر عم و بیان آنچه بر سر ایشان گذشت
۲۷	..... حکایت سوم: در قصه عظیم بصره ای با دختر داوود یهودی و بیان حالاتی چند که در میان ایشان گذشت در دارالخلافة بغداد
۴۳	..... حکایت چهارم: در قصه فرخ جواهری با فرخنده بانو دختر پادشاه دیلمان و احوالات ایشان
۵۰	..... حکایت پنجم: در قصه شاهزاده قاسم پسر اقباس شاه پادشاه خطا و عاشق شدن بر صورت گوهر بانو دختر پادشاه یمن و شرح احوال او
۶۴	..... حکایت ششم: در قصه درویش ادهم با مشک افروز دختر پادشاه فارس و شرح احوال ایشان
۷۱	..... حکایت هفتم: در قصه شیخ محمود پسر شیخ علاء الدوله سمنانی و شرح احوال او
۸۳	..... حکایت هشتم: در قصه مسعود پسر خواجه سعید و رفتن او به شهر بنفش پوشان و داخل شدن به حمام و آنچه بر سر او گذشت
۸۹	..... حکایت نهم: در قصه جوان طالب علم و کنیزکی که بر وی عاشق بود و احوال ایشان
۹۲	..... حکایت دهم: در قصه شاهزاده هرمز پسر قیصر روم و عاشق شدن بر جمال گل دختر پادشاه خوزستان و شرح احوال ایشان. از گفته شیخ عطار علیه الرحمة و الغفران
۱۵۳	..... حکایت یازدهم: در قصه شاهزاده بهرام پسر پادشاه روم و عاشق شدن بر صورت گلندام دختر فغفور چین و رفتن بهرام به چین و شکست دادن بهزاد بلغاری را و به دست در آوردن گلندام و به شهر خود آمدن
۱۸۴	..... حکایت دوازدهم: در قصه ابوالعلا کرمانی و مختار پسر او و آنچه بر سر ایشان گذشت
۱۹۴	..... حکایت سیزدهم: در قصه شیرزاد و شمسه بانو و کامل وزیر و شیر زرین قبا و احوالات ایشان
۲۱۴	..... حکایت چهاردهم: در قصه شاهزاده مهر پسر پادشاه مشرق و عاشق شدن به ماه دختر هلال شاه مغربی و احوالات ایشان
۲۴۸	..... حکایت پانزدهم: در قصه سلیم جوهری با حجاج بن یوسف ملعون و سرگذشت گفتن به جهت حجاج
۲۷۱	..... حکایت شانزدهم: در قصه حبیب عطار ساحر و طلسمات او
۲۸۳	..... حکایت هفدهم: در قصه پسر خواجه سعید ملک محمد نام و قحطی شدن در مصر و فروختن پدر او را به دختر شاه مصر

## عنوان

## صفحه

- حکایت هجدهم: در قصه جهان افروز دختر پادشاه چین و عاشق شدن به ملک حسین پسر خواجه منصور و احوالات ایشان ..... ۳۱۸
- حکایت نوزدهم: در قصه عاشق شدن پادشاه زاده و باغبان بچه بر دختر زاهد و احوالات ایشان ..... ۳۵۴
- حکایت بیستم: در قصه پسر پادشاه کرمان و اراده سفر کردن و رخصت گرفتن از پدر و رفتن به شهر بغداد و به چاه انداختن جهود طباخ او را و حصر بافتن ملک زاده و بردن جهود طباخ بر خدمت خلیفه بغداد و رسوا شدن جهود و بیرون آوردن خلیفه شاهزاده را از چاه و احوالات او ..... ۳۶۱
- حکایت بیست و یکم: در قصه خور پیروز و فرخ روز و پسران دهقان و دشمنی کردن جماعتی با ایشان و کشتن خور پیروز یکی از ایشان را و در عوض کشتن ایشان فرخ روز را و رسیدن خور پیروز از شجاعت به پادشاهی و مقهور ساختن دشمنان را ..... ۳۶۳
- حکایت بیست و دوم: در قصه تمیم بن حبیب الداری انصاری و عجایباتی که بر سر او گذشت و احوالات او ..... ۳۷۲
- حکایت بیست و سیم: در قصه شاهزاده نیاز پسر شاه قباد و عاشق شدن به صورت ناز دختر پادشاه فتنه و احوالات ایشان ..... ۴۰۱
- حکایت بیست و چهارم: در قصه حامد پسر خالد جوهری که بعد از فوت پدر اسراف نمود و مال ها را ضایع ساخت و مشقت و ریاضت کشید و آخر الامر به مراد رسید ..... ۴۳۸
- حکایت بیست و پنجم: در قصه دزد و قاضی بغداد و مباحثه کردن دزد با قاضی و احوالات ایشان .... ۴۸۸
- حکایت بیست و ششم: در قصه مرد لشکری و زن صالحه او و رفتن مرد لشکری به خدمت ملک زاده و زن دسته گل به او دادن و آمدن لشکری به خدمت ملک زاده و آزمودن ملک زاده آن زن را . ۴۹۸
- حکایت بیست و هفتم: در قصه امیر زاده ای که از برادر خود که پادشاه شده بود قهر نمود و خریدن فال نیکو در راه و رفتن و پادشاه شدن و احوالات او ..... ۵۰۴
- حکایت بیست و هشتم: در قصه احمد و شاهزاده محمود و جوانمرد کاردان و رفتن ایشان به شهر قسطنطنیه و عاشق شدن شاهزاده به منیجه بانو دختر پادشاه قسطنطنیه و رسیدن شاهزاده به وصال آن ماهروی و احوالات ایشان ..... ۵۰۹
- حکایت بیست و نهم: در قصه بختیار و ده وزیر و فرخ سوار و دشمنی کردن وزیران با شاهزاده و به مراد رسیدن آن عالی مقدار و احوالات ایشان، متضمن ده حکایت ..... ۵۲۲

## عنوان

## صفحه

- حکایت سی‌ام: در قصه پادشاه مصر و آوازه هزار گیسو شنیدن و رفتن وزیر و هزار گیسو را آوردن و عاشق شدن آزاد بخت به هزار گیسو و به اتفاق هزار گیسو از پدر گریختن و احوالات ایشان ..... ۵۵۲
- حکایت سی و یکم: در قصه مهر و وفا و عشقبازی ایشان با یکدیگر و جدا شدن از هم و بعد از مشقت بسیار به هم رسیدن و احوالات ایشان ..... ۵۸۴
- حکایت سی و دوم: در قصه ابو الفوارس ملاح و در چاه گذاشتن خواجه بازرگان او را و بیرون آمدن ابوالفوارس و انتقام کشیدن از خواجه و احوالات ایشان ..... ۵۹۷
- حکایت سی و سیم: در قصه پسر پادشاه مشرق و دختر پادشاه مغرب که حق سبحانه و تعالی تقدیر کرده بود که ایشان به یکدیگر برسند و سیمرغ خواست که آن قضا را بگرداند و در خدمت حضرت سلیمان پیغمبر علیه السلام ادعا کرده نتوانست و شرمنده شد و از خجالت به کوه قاف گریخت ..... ۶۰۷
- حکایت سی و چهارم: در قصه پادشاه‌زاده ایران و در خواب دیدن او دختر پادشاه روم را و عاشق شدن شاهزاده بر جمال آن پری پیکر و به طلب آن دختر شهر به شهر رفتن و او را به دست در آوردن و به مراد رسیدن و احوالات ایشان ..... ۶۲۴
- حکایت سی و پنجم: در قصه خواجه تاجر و پسر وزیر و برهمن و طوطی و نجار و احوالات ایشان .... ۶۶۰
- حکایت سی و ششم: در قصه بازرگان احمق و زن مکاره او که در ولایت نیشابور واقع شده بوده است و احوالات ایشان ..... ۶۶۴
- حکایت سی و هفتم: در قصه خواجه فرعی و پارسایی کردن زن خواجه منصور و احوالات ایشان ..... ۶۷۰
- حکایت سی و هشتم: در قصه رای کامران و معالجات طوطی و مثل آوردن و احوالات ایشان ..... ۶۷۴
- حکایت سی و نهم: در قصه پسر پادشاه و زن او و گریختن آن زن و پشیمان شدن و برگردیدن و خود را دیوانه و نمودن و احوال او ..... ۶۸۱
- حکایت چهلم: در قصه زرگر و نجار و مصاحبت ایشان با یکدیگر و آشنایی چند ساله را بر طرف کردن زرگر و مکر نمودن نجار و احوالات ایشان ..... ۶۸۷
- حکایت چهل و یکم: در قصه ملک زاده بنی اسرائیلی و فرستادن پدر او را به تجارت و احوالات او .... ۶۹۲
- حکایت چهل و دویم: در قصه موش و گربه و گرفتن گربه موش را و مکر کردن موش مر گربه را و خود را از دست او رهانیدن و احوالات او ..... ۶۹۵
- حکایت چهل و سیم: در قصه دله مختار دختر خواجه جعفر بغدادی و مکر کردن او با مردم بغداد و عیاری های آن مکاره و شرح احوالات او. متضمن دوازده داستان دیگر ..... ۷۰۲

## عنوان

## صفحه

حکایت چهل و چهارم: در قصه فیروز بخت پسر ملک نوادر پادشاه قسطنطنیه و عاشق شدن او بر	
سمن ترک دختر پادشاه ختای و احوالات ایشان .....	۷۳۶
حکایت چهل و پنجم: در قصه ملک نوبهار شاه پسر ملک نوروز شاه هرات و پسر برزیگر و احوالات	
ایشان .....	۷۶۴
حکایت چهل و ششم: در قصه پسر پادشاه هند کردیس شاه و تعلیم نمودن حکیم سندباد آن نیکو	
خصال را و مصلحت در خاموشی او دیدن در نزد پدر و تحریک کردن کنیزک در کشتن شاهزاده در	
خدمت پادشاه و تمثیل آوردن هفت وزیر و او را از کشتن رهانیدن و به حرف در آمدن شاهزاده بعد	
از هفت روز و سیاست کردن کنیزک را و احوالات ایشان، متضمن بیست و شش داستان .....	۷۸۲
فرهنگ واژگان دشوار فارسی .....	۸۵۵
فهرست اشارات قرآنی .....	۸۷۳
فهرست احادیث .....	۸۷۷
فهرست نام کسان .....	۸۷۹
فهرست نام جایها .....	۸۹۷
فهرست اقوال و امثال مشهور عرب .....	۹۰۳
نمایه مثل ها، مثل واره ها و حکم فارسی .....	۹۰۴
فهرست ابیات فارسی .....	۹۰۶
فهرست مصراع های فارسی .....	۱۰۰۸
فهرست ابیات عربی .....	۱۰۱۱
فهرست مصراع های عربی .....	۱۰۱۲
منابع و مأخذ .....	۱۰۱۳

## معرفی کتاب جامع الحکایات

حکایت ها از زمان های کهن شکل گرفته اند و در تمام ادوار تاریخی نقش های گوناگون و مهمی در زندگی اجتماعی بشر ایفا کرده اند. آنها در تربیت، تعلیم و جهان بینی و همچنین سرگرم کردن و گذران وقت مردم اهمیت زیادی داشته اند. "جامع الحکایات" یکی از این آثار است که این رساله به تصحیح و توضیح آن اختصاص یافته است. کتاب جامع الحکایات یا چهل و شش حکایت به عنوان گنجینه‌ای از قصه های عامیانه دوره صفوی گردآوری و کتابت شده است. نسخه جامع الحکایات به شماره ۴۲۶۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود و از جمله نسخ خطی منحصر به فرد فارسی است که به احتمال زیاد متعلق به اواخر قرن ۱۰ و اوایل قرن ۱۱ هجری قمری و رسم الخط یکدست کتاب نشان می دهد گردآورنده حکایت ها یک نفر بیش نبوده است. این نسخه با جلد چرمی قهوه ای رنگ ساده، دارای چهارصد و پنجاه و نه ورق به طول سی و عرض بیست سانتی متر و هرصفحه بیست و سه سطر در تاریخ مرداد ماه هزار و سیصد و یازده هجری شمسی توسط میرزا رضا خان نائینی وقف کتابخانه گردیده است. نویسنده این نسخه طبق آنچه در شناسنامه نسخه آمده نامعلوم است. ابتدای کتاب نیز در دست نیست و حکایت اول نسخه ناقص است. بعضی از داستان ها چندان مفصل است که جا دارد خود کتابی جداگانه باشد به ویژه آن که در ضمن چنین حکایاتی داستان های فرعی دیگر نیز آمده است.

شروع حکایت ها و عناوین فرعی در متن با شنگرف مشخص شده است و کلماتی چون بیت، نظم، مصرع، رباعی، غزل و در برخی عبارات ها شروع مطالب و موضوعات گوناگون نیز با شنگرف مشخص گردیده است. از علایمی نظیر نقطه ویرگول (؛) برای جدا ساختن ابیات و مصراع ها استفاده شده است. عبارات عربی با خطی بر بالای آنها مشخص شده است. گاهی خود گردآورنده جملات عربی را اعراب گذاری کرده که بعضی مواقع این اعراب گذاری اشتباه است. در برخی قسمت های نسخه به حواشی خاصی بر می خوریم که به نظر می رسد بعد از باز خوانی نسخه، نویسنده تلاش کرده غلط ها و افتادگی ها را در حاشیه زنی ها با خط خود با کلمه «صح» (مخفف صحیح) شکل درست کلمه یا کلمه افتاده از متن را مشخص کند. در این نسخه گرد آورنده قبل از آوردن هر مصرع حرف «ع» و یا کلمه «مصرع» را نوشته است.

با توجه به رکابه ها، در این نسخه نوعی بی نظمی میان اوراق این داستان مشاهده می شود که شاید در مراجعه خوانندگان و یا به دلایل دیگر، صفحات را پس و پیش صحافی کرده اند که البته در این مورد در بخش روش تصحیح نسخه سخن به میان خواهد آمد.

در آغاز بعضی از حکایت ها عبارت کلیشه ای: «راویان اخبار و ناقلان آثار در کتاب جامع الحکایات چنین آورده اند که...» آمده است ولی این عبارت ناظر به «جوامع الحکایات و لوازم الروایات» تالیف سدید الدین محمد عوفی بخاری نیست چرا که هیچ حکایتی از آن کتاب نقل نشده است و شاید غرض از عبارت عنوانی «جامع الحکایات» نسخه ای جداگانه بوده که گردآورنده از آن استفاده کرده است و یا شاید همین نسخه مورد بحث است که البته «مجموعه ای از حکایت ها» است. پایان هر حکایت به عبارتی در حمد خداوند و مدح پیامبر اسلام (ص) و ... ختم می شود.

«صد هزار آفرین خدای بر نویسنده و خواننده و شنونده و مولف و صاحب کتاب باد و بر آن مومن و موحدی که گوید آمین یا رب العالمین».

یا: «صد هزار آفرین رب العالمین و درود سید المرسلین به ...الخ»

نسخه مورد بررسی ما نیز با این جمله آغاز می شود: «او که با او بودند بهر که رسیده اسی دیدند گرفته سوار شدند...» و این حکایت اول کتاب یعنی «قصه شاهزاده ملک محمد پسر پادشاه چین و عاشق شدنش بر گلزار دختر شاه پریان و احوالات ایشان است» که این عنوان به تصحیح قیاسی آورده می شود. کتاب جامع الحکایات با این جمله تمام می شود: «دیگری گفت به پایش خللی باید رسانید تا در کوی هوای دل...»

در کتاب جامع الحکایات موضوعات و ژانرهای مختلف، ساختار و شخصیت های گوناگون به چشم می خورد. موضوعات حکایات بر گرفته از زندگی مردم است و در آنها عشق، برابری، شجاعت، وفاداری و خیانت زنان، ارزش و اهمیت دانستن حرفه، حاکمان عادل و دادگاهی عادلانه و همچنین موضوعات دینی بیان شده است. قابل توجه است که در این حکایات عوام جایی ندارند و این موضوع توجه و اهمیت عامه مردم به زندگی پادشاهان و اشرف زادگان را نشان می دهد. بیشترین تعداد حکایت ها متعلق به ژانر تعلیمی است و بعد از آن ژانر عاشقانه بیشترین انعکاس را دارد. علاوه بر این حکایت هایی با ژانرهای پریان و شگفتی، تمثیلی و نیز سرگرمی وجود دارد.

شخصیت های حکایات به دو گروه تقسیم می شوند قهرمان و ضد قهرمان. این قهرمانان توانایی جسمی فوق العاده ای دارند و همیشه این قهرمانان آدم های دیندار و خدا ترس هستند. آنها بعضی مواقع در زندگی خود لغزش هایی می کنند ولی بعد از کشیدن سختی ها دوباره به مراد خود می رسند. البته گاهی به آنها قهرمانان دیگر که معمولاً چهره های دینی هستند مانند حضرت رسول (ص) حضرت علی (ع) خضر نبی (ع) یا قهرمانان قراردادی مثل جن، پری و جادوان نیکو سیرت کمک می کنند. گاهی آنان به قهرمانان اشیاء جادویی اعطا می کنند مانند کلاه، کفش و عصای حضرت سلیمان(ع)، شاخه درخت انار، طلسم یا دعا هایی که به کمک آنان قهرمان به مراد خود می رسند. برخی پیر مردان و پیر زنان و حیوانات نیز در ردیف قهرمانان خوب هستند.

ضد قهرمانان در حکایت ها، شیاطین، دیو ها، عفریت ها، غول ها و بعضی پیر زنان و پیر مردان هستند. ضد قهرمانان همیشه در این حکایات بعد از شرارت خود تسلیم می شوند و نیروهای خوب بر آنها پیروز می شوند. طرح حکایت ها نیز متفاوت است. در این کتاب به جز طرح های ساده که در آن کنش های قهرمانان از یک نقطه آغازین شروع می شوند و در نقطه پایانی به اتمام می رسد و در آنها تعداد اشخاص کم است، طرح هایی به تقلید از قصه های هزار و یک شب و سندباد نامه و بختیار نامه نیز دیده می شود. در این طرح ها قهرمانان در بلایی گرفتار می شوند و برای نجات خود قصه هایی تعریف می کنند و بدین طریق مرگشان را به تاخیر می اندازند. طرح هایی دیگر نیز در کتاب ذکر شده اند که در آنها همیشه قهرمانان و به ویژه قهرمانان زن، گرفتار می شوند و معمولاً با مکر و حيله فرار می کنند.

این موضوع در رمانس که از قرن دوازده میلادی در اروپا و به ویژه در فرانسه شکل گرفت، نیز به چشم می خورد و در این مورد خاص شباهت بسیاری بین این قصه ها و رمانس وجود دارد مخصوصاً اینکه در هر دو نوع، قصه ها جنبه خیالی و اکثراً سرگرم کننده دارند، قهرمانان، اصیل و اشراف زاده اند، ماجراهایی که اتفاق می افتد اغلب عاشقانه و شگفت انگیز



هستند و قهرمان زن در راه رسیدن به محبوب خویش متحمل رنج‌های فراوان می‌شود و با جادوگران و نیروهای شر مبارزه می‌کند. شاید تنها تفاوت چشمگیر این نوع از داستان‌های عامیانه فارسی با رمانس، در محتوای آنها باشد که رمانس‌ها عموماً فاقد محتوای اخلاقی‌اند. در حالی که در قصه‌های فارسی همچون جامع‌الحکایات، مسائل اخلاقی مورد توجه است به ویژه اینکه قهرمانان و شخصیت‌ها اغلب افراد دیندار و مقید به شرع هستند و در ضمن حکایات یا در آخر آنها مسائل اخلاقی و دینی تعیین‌کننده است.

زبان حکایت‌ها به جز چند مورد ساده و عامیانه است. گاهی راویان به طور مستقیم وارد صحنه می‌شوند و نظر خود را در مورد اشخاص یا در مورد زندگی بیان می‌کنند. در بعضی از حکایت‌ها راویان به توصیف صحنه‌های زیبا و ماجرای عاشقانه قهرمانان می‌پردازند و گاه از کلمات رکیک نیز استفاده می‌کنند. این امر بیانگر آن است که حکایات مذکور در محافل مخصوص مردانه و فی‌المثل در قهوه‌خانه‌ها گفته شده است. داستان‌ها از لحاظ بلند و کوتاه بودن با هم متفاوت هستند. برخی داستان‌ها بسیار بلند و بعضی دیگر کوتاه‌اند. علاوه بر این در تعدادی از قصه‌ها ابیات زیادی به عنوان شاهد شعری ذکر شده است اما در قصه‌های دیگر ابیات کمی وجود دارد و علت آن به احتمال فراوان این است که نویسنده جامع‌الحکایات داستان‌ها را از منابع متفاوت برگرفته و در قالب یک کتاب "جامع‌الحکایات" گردآورده است، کاری که در زمان صفویه بسیار مرسوم و معمول بوده است و اشخاص با ذوق به جمع‌آوری داستان‌ها و اشعار برگزیده می‌پرداختند و برای خویش مجموعه‌ای منتخب تدوین می‌کردند. بدین ترتیب همانطور که پیشتر ذکر شد شاید دیگر عنوان "مصنف و نویسنده" برای صاحب این اثر مناسب نباشد و بهتر این است که از نام "مؤلف یا گردآورنده" استفاده گردد. با در نظر گرفتن تمام این نکات می‌توان گفت که کتاب جامع‌الحکایات به عنوان دایرة‌المعارفی از قصه‌های ایرانی و بخشی از تاریخ اجتماعی، سیاسی، دینی و فرهنگی گذشتگان ارزش فراوانی دارد.

#### ۱. سنت قصه و قصه‌گویی در ایران قبل و بعد از اسلام

در طرح حکایت‌های کتاب "جامع‌الحکایات" هم تأثیر قصه‌نویسان قبل از اسلام و هم بعد از اسلام مشاهده می‌شود. در این حکایت‌ها موتیف‌هایی مربوط به دوران قبل و بعد از اسلام وجود دارد. مانند شیر دادن شیر به شاهزاده و غیره. این مسأله گواه آن است که در ایران قبل از اسلام نیز قصه‌ها و در نتیجه قصه‌گویی وجود داشته‌اند که قصه‌های خود را به طور شفاهی به نسل‌های آینده انتقال داده‌اند. فارغ از این قصه‌ها، داستان‌هایی نیز ذکر شده که وقایع آن در سرزمین‌های عربی رخ داده است و در آنها شخصیت‌های معتبر و معروف عرب وجود دارند. البته باید گفت که در بعضی از قصه‌هایی که ظاهراً ریشه عربی دارد موتیف‌های ایرانی قبل از اسلام نیز دیده می‌شود و این به خاطر آن است که این قصه‌ها توسط قصه‌گویان عربی یا ایرانی که در ممالک عرب می‌زیسته‌اند، به ایران آمده و با موتیف‌های ایرانی آمیخته است. در بعضی حکایت‌ها به غیر از موتیف‌های ایرانی و عربی، موتیف‌های غیر اسلامی، مانند یهودی و مسیحی نیز دیده می‌شود. و بالاخره قصه‌هایی وجود دارند که با توجه به ذکر نام اشخاص در آن‌ها می‌توان به مذهب راویانشان پی برد. این اشخاص دینی و تاریخی، کسانی هستند مانند: عمر، خلیفه عباسی (هارون الرشید) و دیگران، که حکایت از سنی مذهب بودن راویان این حکایت‌ها دارد. در بعضی مواقع قصه‌های راویان سنی مذهب از نو توسط راویان شیعه مذهب روایت شده‌اند و در نتیجه نقش شخصیت‌های سنی قصه تاریک شده است. آمیختگی این موتیف

ها و تأثیر راویان شیعه که در حکایت‌ها دیده می‌شود، همگی به هنر قصه‌گویی باز می‌گردد که در مناطق مختلف جغرافیایی می‌زیسته‌اند.

## ۱-۱ سنت قصه و قصه‌گویی در ایران

قصه و قصه‌گویی در ایران ریشه در زمان قدیمی دارد و تاریخ آن به دوران باستان باز می‌گردد. به نظر می‌رسد قصه‌ها و حکایت‌های سنتی که در ایران زمین روایت می‌شده‌اند، نقش ادبیات نمایشی را نیز در ادب فارسی ایفا کرده‌اند. از دیر باز طبقه‌ای به نام "داستان‌گزاران" در ایران بودند که در کوچه و بازار مردم را گرد خود جمع می‌کردند و برای آنان قصه می‌گفتند و عموماً داستان‌های افسانه‌ای و ملی را بیان می‌کردند (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۳۷). در این مورد روایت‌هایی هم در کتب مورخین یونان باستان و هم در منابع اسلامی دیده می‌شود. آنتئوس یونانی چنین گزارش می‌دهد که: خنیاگری به نام "انگارس" پیروزی پادشاه هخامنشی کوروش کبیر را علیه آستیاگ پیشگویی کرده است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۷). در تاریخ‌های دینون و گزنفون نیز روایت‌هایی ذکر شده‌اند که طبق آنها کوروش در خواب می‌بیند که سه بار سعی کرده است خورشید را به دست بیاورد ولی هر سه بار خورشید از دست او گریخته است (گزنفون، ۱۳۴۲: ۴). منجمان خواب‌وی را چنین تعبیر کرده‌اند که کوروش سی سال حکومت می‌کند. به هر روی روایت‌های دیگری را مورخان ذکر کرده‌اند که براساس آنها، ایرانیان کوروش را در قصه‌ها و ترانه‌های خود یاد می‌کرده‌اند. با خواندن این گزارش‌ها می‌توان حدس زد که در نزد ایرانیان قصه‌گویی و افسانه‌سرایی، قدمتی دیرینه دارد که بعدها، این میراث شفاهی، سینه‌به‌سینه، به نسل‌های بعد منتقل شده است.

قصه‌گویان و نقالان افسانه‌ها را سینه‌به‌سینه نقل کرده‌اند. گروهی از آنان "گوسان" نام داشته‌اند (تفضلی، ۱۳۷۶: ۷۶-۷۵). "گوسان‌ها" حافظ داستان‌های ملی ایرانی بوده‌اند و آنها را به ساسانیان منتقل کرده‌اند. همین داستان‌ها بعداً بخشی از خدای‌نامه پهلوی را تشکیل داده و نهایتاً در شاهنامه منعکس شده‌اند. محمد بن اسحق می‌گوید: "فارسیان اول، تصنیف‌کنندگان اولین افسانه‌ها بوده، و آن را به صورت کتاب در آورده و در خزانه‌های خود نگاهداری کرده‌اند." (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۵۳۹). این مطلب در کتاب مقدس مسیحیان هم ذکر شده است (کتاب مقدس، استر ۲: آیه ۲۳).

محمد بن اسحق ادامه می‌دهد که ایشان بعضی از این افسانه‌ها را از زبان جانوران نقل می‌کردند. پس از آن پادشاهان اشکانی که دومین سلسله پادشاهان ایران بودند آن را به صورتی اغراق‌آمیز در آوردند و شاهان سلسله ساسانی نیز چیزهایی به آن افزودند. طبق گفته ابن ندیم نخستین کسی که افسانه‌گفتن در شب را رواج داد و شب را به افسانه‌زنده داشت، اسکندر بود. وی گروهی داشت که او را می‌خندانیدند و افسانه‌ها برایش ساز می‌کردند لیکن از این کار (قصه‌گویی) قصد لذت بردن نداشت بلکه حفظ و حراست خویش را اراده کرده بود. پس از او پادشاهان از کتب هزار افسانه برای این کار استفاده کردند (همان، ۵۴۰). بسیاری از متن‌های داستانی کهن ایرانی و هندی نیز بر اساس قصه‌گویی بنا شده‌اند. کتاب‌های "کلیله و دمنه"، "هزار و یک شب" و "سندباد نامه" از این نمونه هستند. پیش از سروده شدن شاهنامه فردوسی نام پهلوانانی چون رستم و زال و اسفندیار را در شعر شاعران پیش از فردوسی می‌یابیم و این خود نشانگر آن است که مردم ایران با این شخصیت‌های افسانه‌ای پیش از اینها آشنا بوده‌اند. این قصه‌ها اندک‌اندک در دوره‌های مختلف پس از اسلام ثبت گشت که به نویسندگان آن‌ها "دفتر نویس" می‌گفتند. "از راویان و داستان

گزاران خراسان در زمان فردوسی نام هایی بر جا مانده است، آزاد سرو سیستانی که در مرو اقامت داشت و ماخ پیر خراسان که در مقدمه شاهنامه ابو منصور از آنان نام برده شده است" (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۳۷).

اوج داستان نویسی در ایران پس از اسلام مربوط به دوره صفویه است. عامل اصلی در توسعه قصه نویسی، تغییر بافت های اجتماعی در دوره صفویه است. به وجود آمدن مادر شهر هایی چون اصفهان و صنعتی شدن آنها و ایجاد کارخانه های متعدد، کوچ زمین داران و کشاورزان به شهر و به وجود آمدن طبقه صنعتگر و خرده بورژوا سبب شد که طبقه نوپای جدید قدرت فرهنگی تماس با ادبیات سنگین و رسمی قدیم را نداشته باشند و لذا احتیاج به ادبیاتی ساده و عامیانه داشتند که هم از نظر محتوای فکری و هم از نظر سطح ادبی، مناسب حال آنان باشد و لذا نوعی داستان نویسی عامیانه رشد پیدا کرد (همان، ۲۲۵). در مورد آنچه که مربوط به موتیف های یهودی و مسیحی است، باید اشاره کرد که آنها در قصه های راویان مسلمان اغلب بعد از اسلام راه یافته و بیشتر در حکایت های عربی حضور داشته اند چرا که اعراب نیز قبل از اسلام در سنت قصه گوئی مطرح بوده اند.

## ۱-۲ سنت قصه و قصه گوئی در نزد اعراب

اعراب جاهلی توجه خاصی به تاریخ گذشته خویش داشته اند. "این توجه در خلال اخباری که از آن با عنوان ایام العرب یاد شده، آشکار است. ایام العرب مجموعه نقل های داستانی است، مشتمل بر حوادث مهم تاریخی و به ویژه بخش هایی از زندگانی عرب جاهلی که سرشار از حماسه سرایی، اشعار و نکات زیبای ادبی است" (جعفریان، ۱۳۷۸: ۲۳). اگر از این زاویه نگاه کنیم قصه ها در میان اعراب جاهلی دارای سابقه طولانی بوده اند و روحیه حماسی و تعصب قبیله ای در آنها به شدت برجسته بوده است. البته در تاریخ آمده است که نصر بن حارث داستان های رستم و اسفندیار را در مکه نقل می کرده است (محبوب، ۱۳۸۳: ۱۰۸۱). وی در مقابله با پیامبر اکرم (ص) و قصص قرآن، قصه رستم و اسفندیار و رستم و سهراب را می خوانده است. در این مورد که آیا در دوران پیامبر (ص) قصه گوئی مورد تأیید ایشان بوده است یا نه، روایت های متفاوتی ذکر شده است که طبق بعضی از آنها، پیامبر (ص) قصه گوئی را تأیید کرده اند. یکی از آن روایت ها می گوید که "پیغمبر (ص) پس از اقامه نماز، در راه به شخصی از انصار بر خورد که نشسته بود و برای مردم قصه می گفت و یاد آوری حق می کرد و مردم همه با جان و دل سرگرم او بودند. وقتی که چشم مرد بر پیامبر افتاد قصه گوئی را برید و به حرمت رسول خدا (ص) ایستاد. پیامبر (ص) با دست اشاره کردند که بر جای خود بنشین. پس پیامبر (ص) رفت و در پایین ترین نقطه نشست و هیچ کس متوجه حضور پیامبر (ص) نشد تا از جای خود حرکت کند. چون مرد از قصه گفتن فارغ شد، خواست سوی پیامبر (ص) رود و نزد ایشان بنشیند که یکباره مردم متوجه حضور پیامبر (ص) شدند که پشت سرشان نشسته بودند. پیامبر (ص) فرمودند از جای بر خیز و قصه هایت را قطع نکن. من عهد کرده ام که خود را همراه سازم با کسانی که خداوند را سپیده دم و شامگاه می خوانند تا رضایتش در یابند..." (محبتی، ۱۳۸۶: ۷۵).

این روایت ها را اغلب قصه گوینان جعل می کردند تا کار خود را تأیید بکنند. در روایت دیگر آمده است که تمیم الداری، نصرانی مسلمان شده، در مدینه قصه دجال را برای پیامبر گفت (ابن منظور، بی تا: ۷۵). این روایت نیز برای تأیید کار قصه گوینان نقل شده است. گفتنی است که این حکایت (حکایت تمیم بن الداری) در کتاب جامع الحکایات نیز ذکر شده است ولی در اینجا تمیم بن الداری قصه دجال را برای حضرت علی (ع) نقل می کند و حضرت علی (ع) نیز می فرمایند که

پیغمبر(ص)پیش از این ایشان را درباره این اتفاق( قصه گفتن تمیم درباره دجال) با خبر کرده است. البته در مقابله با این روایت ها، کسانی نیز بوده اند که با قصه گوینان، به خاطر آن که در قصه های خود مطالبی از اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) می آوردند، مخالفت می کردند و در تأیید مخالفتشان، روایت هایی نقل می کردند. تمام این روایت ها نیز به پیامبر(ص) منسوب شده اند. طبق یکی از این روایت ها پیامبر(ص) فرموده اند: "بنی اسرائیل قصه گویی کردند، هلاک شدند" (جعفریان، ۱۳۷۸: ۳۳).

تا آنجا که به منابع کهن مربوط می شود، در این که شغل قصه گویی در اسلام از چه زمانی آغاز گشته، اختلاف نظر عمده ای وجود ندارد. بر اساس شواهد زیادی می توان دوره پیدایش قصه خوانی را روزگار خلیفه دوم دانست. نقل های فراوانی نشان می دهند که قصه خوانی با اجازه خلیفه دوم و توسط تمیم الداری، یکی از اصحاب رسول خدا(ص) آغاز شد. سائب بن یزید به نقل از ابن سیرین می گوید: "در زمان رسول خدا (ص) و ابو بکر قصه خوانی در کار نبود و نخستین شخص که قصه گفت تمیم الداری بود. او از عمر اجازه خواست تا ایستاده، قصه گوید و وی هم به او اجازه داد" (همان، ۳۶). در نقل دیگری آمده است که عمر به او اجازه قصه خوانی داد و خود نیز در محفل وی نشست و به سخنان او گوش داد(محبتی، ۱۳۸۶: ۸۱). البته روایت هایی نیز وجود دارند که براساس آنها، قصه گویی بعد از خلافت عمر و عثمان آغاز شده است. (همان، ۸۱) طبق این نقل ها معاویه بنیانگذار قصه خوانی است (جعفریان، ۱۳۷۸: ۴۰). در مورد معاویه این نکته گفته شده است که در دوران وی قصه گویی از مساجد بیرون آمده و در دربار خلیفه جای گرفته بود و در واقع از این دوره توسط افراد تازه مسلمان شده موتیف های غیر اسلامی در حکایت های اسلامی راه می یابند. دلیل دیگر علاوه بر ورود تازه مسلمان یهودی و مسیحی به دربار معاویه، به سبب روحیه عیاشی و خوشگذرانی در معاویه و اطرفیان وی بود و بالطبع قصه گویی نیز از لوازم این خوشگذرانی است. هنگامی که شمار عالمان اهل کتاب که به مسلمانان پیوسته بودند، فراوان شد، این بار به عنوان یک عالم مسلمان مطالبی را که از گذشته به یاد داشتند و حتی به صراحت از تورات نقل شده بودند، میان مسلمانان رواج دادند. یکی از محدثان و قصه خوانان یهودی زاده معروف صدر اسلام "محمدبن کعب قرظی" است. روایاتی که از وی به جا مانده، از آشنایی او با اخبار اهل کتاب: از جمله اخبار قصه قوم لوط، قصه سلیمان، موسی و غیره حکایت دارد (همان، ۶۷).

بنابراین تمامی این روایات گواهی می دهند که بعد از اسلام و در دوران خلیفه دوم، قصه گویی و قصه گو در ممالک عربی اموری شناخته شده بودند و بالطبع قصه گویی رو به گسترش بوده است. جریان قصه خوانی اسلامی که در مدینه آغاز شده بود، به عراق کشیده شد و در بصره و کوفه، شمار زیادی از قصه خوانان به فعالیت پرداختند. به تدریج عده ای از آنها به ایران آمدند و در نواحی مختلف ایران قصه خوانی رونق گرفت. برای نمونه از "عبد الرحمن بن ابراهیم قاص" یاد شده است که در شهر کرمان سکونت داشته است (یحیی بن معین، ۱۳۹۹: ج ۷، ۱۷۵). طی دو سه قرن نخست اسلامی، عامه مردم ایران به دلیل وابستگی هایی که با فرهنگ پیش از اسلام داشتند، بسیاری از داستان ها و افسانه های گذشته را در ضمن آداب و رسوم اجتماعی خود حفظ می کردند. در قرون پنجم و ششم دو گروه مختلف از کسانی که کار گسترش قصه ها را بر عهده داشتند، یک گروه از شیعیان با عنوان "مناقب خوانان" و دیگری گروهی از سنیان با عنوان "فضائل خوانان" بودند که عهده دار مجالس گروه های مذهبی شدند. آنها در مساجد و حتی بر سرگذر ها به این کار می پرداختند و به این سبب تأثیر قصه گوینان شیعه بر قصه های روایت شده از قصه گوینان سنی، در کتاب جامع الحکایات